



## مضار گرانقدر فانمها، آقایان!

مسرت داریم که در کنفرانس شکوهمند موجود شرکت مینمایم. از همه‌آنانیکه درین مورد تسهیلات را فراهم نموده اند اظهار سپاس و امتنان نموده و برای کنفرانس جهت تحقق آن موفقیت آرزو مینمایم.

(فقا)

من از افغانستان در بند جنگ صحبت مینمایم، سرزمینکه آغشته به خون فرزندان وطن و فرزندان جامعه بین المللی گردیده است و میتوانم بگویم این جنگ بخاطر چه؟ چون جنگ دیگران در سرزمین ماست. پاسخ را باید دیگران بدهند و بس.

## مضار گرامی!

طوریکه میدانید از کنفرانس نا متعادل بن ده سال سپری میگردد. درین کنفرانس سه محور عمومی به توافق رسیده بود:

- 1- تا مین صلح
  - 2- شکست تروریسم
  - 3- حکومت داری خوب
- طی این مدت ده سال ما چه چیزی را بدست آورده ایم؟
- جنگ در افغانستان از کران تا کران گسترش یافته و ابعاد جدید کسب کرده.
  - فرهنگ جنگ سالاری هنوز بر سرنوشت مردم حاکم است. خلع سلاح و انحلال ساختارهای غیر دولتی نتا هنوز تحقق نیافته.
  - مداخلات خصمانه از جانب همسایه های ما یعنی پاکستان و ایران قطع نگردیده.
  - مواد مخدره و مافیای آن ریشه کن نشده و جنایات سازمان یافته ادامه دارد.
  - باز سازی مؤسسات زیر بنایی و ایجاد شغل بوجود نیامده.
  - تشکیل اردوی ملی با قابلیت دفاعی هنوز ایجاد نگردیده تا قادر به دفاع مستقلانه از کشور باشد.
  - اجرای تعهدات در باره مشارکت سایر نیروهای ملی و اجتماعی خارج از کنفرانس بن در حیات سیاسی و اجتماعی کشور ما تحقق نیافته است.
- و بلاخره در تا سیس یک اداره و مدیریت مؤثر، پاسخگو و خدمت گذار به مردم ، تلاش جامعه جهانی طی این مدت به کوتاهی و ناتوانی انجامیده که اکنون مردم افغانستان از داشتن یکحکومت خوب و خدمتگار محروم اند.
- فساد بیداد میکند، مردم بطور قطع باورهای شانرا نسبت به دولت کنونی از دست داده اند و خواهان تغییر مؤثر کاری اند که باید اصلاح گردد.
- عدم موفقیت اپوزیسیون نیروهای خارجی و نبود تشریک مساعی این نیروها و عملیات کورکورانه آنها بویژه قوت های موسوم به ائتلاف بین المللی در مبارزه با تروریسم که بیشترین آسیب آنرا افراد ملکی متحمل شده ، قرا و قصبات با خاک یکسان و از سکنه خالی که این امر باعث یأس و نارضایتی فزاینده مردم ماگردیده است.

زیانهای جنگ در طی سی سال، ساختارهای مادی و معنوی کشور ما را به شدت درهم کوبیده که این امر زیانهای به پیکر اقتصادی کشور وارد نموده، فقر و بیکاری مزمن حاکم است و هفتاد فیصد مردم ما زیر خط فقر بسر میبرند و سه میلیون انسان مستعد به کار فاقد شغل اند.

هزاران کادر متخصص ملکی و نظامی که ثروت بی بدیل ملت ما هستند در نتیجه سیاست های تبعیضی و برخورد های ایدئولوژیک و تغییر در ساختار حکومت، به شغل های غیر تخصص و یا کنج خانه رانده شده اند. زنان افغان که گویا ترین قربانیان جهالت و دهشت هستند، به شدت تحت فشار و خشونت قرار دارند. این موجود شریف که مادر اند یا خواهر و یا همسر و یا دختر اند، گوش، زبان، بینی آنها قطع میگردد. بنا به گزارش حقوق بشر سازمان ملل متحد این خشونت ها در افغانستان ابعاد گسترده یافته و از دولت افغانستان خواسته است تا به توجه به کنوانسیون های رفع خشونت علیه زنان به حقوق اجتماعی و سیاسی زنان افغانستان رسیدگی کند.

موارد چون قتل، خود سوزی، آزار بدنی، ازدواج اجباری، عدم پرداخت نفقه، تجاوز جنسی، اعتیاد - اجباری، بد دادن از دیگر موارد نقض حقوق زنان در کشور ما میباشد.

## جوانان:

جوانان کشور در مغایرت با همه ارزشهای ملی و جهانی، پیش از وقت برای لقمه نانی سرگردان و قهرآ مهاجرت را آغاز و یا اینکه به شبکه های اقتصاد جنایی و باند های تروریستی و قاچاق مواد مخدر جذب میشوند و یا در اجرای اعمال خرابکارانه مورد استفاده قرار میگیرند.

-مواظبت از صحت و سرپناه حق معلولین و معیوبین جنگ بالای همه ملت است. وقتی اینها حق میگویند، حکومت داران آنها را عصیانگر و اضافه ستان خطاب مینمایند و خانواده های آسیب دیده از جنگ، نان آوری جزء کودکان خردسال و نوجوان ندارند.

## مضار گرامی!

حضور فزاینده نظامی ایالات متحده آمریکا و ناتو در کشور ما از یکطرف مهمترین عالمی سراپا نگهداشتن بقای دولت فعلی است. از جانب دیگر حاکمیت ملی افغانستان را با محدودیت های جدی مواجه ساخته است. افغانستان تا اکنون صاحب قوای مسلح ملی، اداره کارآمد دفاعی امنیتی نشده است. صفوف از قوت های که نیاز میرم دفاعی کشور اند، هنوز وجود ندارد. مثلاً قوای هوایی، قوای زرهی، قوای راکتی، قوای توپچی و... به همین لحاظ دولت در تأمین امنیت و تحقق تعهدات نه تنها موفقیت قابل لمس ندارد، بلکه در بن بست گرفتار گردیده است. استراتژیست های آمریکا و مقامات ناتو - آمریکا پس از ارزیابی استراتژی امنیتی در افغانستان پیوسته اظهار میدارند که پیشروی وجود دارد اما شکننده است. آمریکا - ناتو و جامعه بین المللی باید طبق تعهداتش در ساختن و تسریع پروسه ایجاد اردوی ملی و پولیس ملی به اقدام مقتضی متوسل شود تا افغانستان هرچه زودتر به امنیتش پردازد و نیروهای خارجی از بمباردمان محلات مسکونی و کشتار ملکی، تجاوز به حقوق انسانی شان خودداری نمایند، با متخلفین مطابق کنوانسیونهای جهانی برخورد های عملی صورت گیرد. اتحادیه اروپا، آمریکا - ناتو طبق تعهدات شان به بازسازی ساحات ملکی توجه مبذول بدارند و از طریق اعمار پروژه های عام المنفعه به ارتقا سطح زندگی مردم محلات مساعدت نمایند. زیرا امنیتی که تنها با زور سرنیزه، جنگ و سرکوب آورده شود، شکنند و ناپایدار میباشد.

پاکستان با سیاست های دو رو به تعهدات خویش در زمینه مبارزه با تروریسم که اینک دامن این کشور را نیز گرفته است، در پرتگاه هولناک قرار دارد، باید از بین برده شود.

ایران نیز در تجهیز، تسلیح و تربیت تروریستان و خرابکاران مورد شک جامعه بین المللی قرار دارد، باید این مداخلات قطع به صلح و امنیت افغانستان مساعدت گردد.

## خانمها و آقایان!

افغانها عاشقانه خواهان اند تا امنیت خانه خود را خود بعهده گیرند و دولت افغانستان تلاش نماید تا هرچه زودتر به دفاع مستقلانه پردازد. زیرا اردوی ملی مظهر استقلال کشور میباشد و دولت زمانی مستقل و ملی بوده میتواند که قادر به دفاع از استقلال و امنیت ملی خویش باشد.

اداره اقتصاد سالم و ایجاد دولت پاسخگو و عاری از فساد، الویت انکار ناپذیر لحظه کنونی است، سیستم متمرکز موجود در آن از کادرهای محلی تا وزارت های مرکزی و سیاست خارجی تا سیاست های دفاعی و امنیتی

از یکدست اداره میشود. با تنوع اجتماعی فرهنگی قومی کشور ما مطابقت ندارد. این سیستم مردم ما را از مشارکت در حیات سیاسی باز میدارد، این سیستم نمایندگان مردم را از نظارت بر امور سیاسی کشور محروم میسازد.

حزب واحد ما در سٹیٹ میارزات انتخاباتی ریاست جمهوری و پارلمانی شورا های ولایتی غرض بیان سیاست ها و راهکارهای لازم بخاطر تأمین نیازمندی های مردم شرکت فعال نموده و قبل از تدویر انتخابات حزب ما اعلان نمود ، اگر شرایط مناسب برای تمثیل اراده آزاد رای دهندگان وجود داشته باشد، کاندیدان ما حتماً پیروز خواهد شد. این پیش بینی صحت یافت ، نتایج انتخابات نشان داد مه جبر، زور، فساد و جعل و تئویر بجای اراده آزاد و انتخابات دموکراتیک نقش برجسته یافت. جناح بالاتر از یک ملیون رای باطل اعلان شد و کاندیدان غیر مستحق پیروز گردیده بحران آفرید که اعلان نتایج این انتخابات چندین بار به تعویق افتاد. چهار ماه از آن سپری میگردد. در محور این رویدادها نیروهای متحجر، عقب گرا، هوا و میدان جدید یافتند.

ما جانبدار سیستم مختلط ریالیستی پارلمانی و تعیین و عزل حکومت از طرف نمایندگان منتخب مردم هستیم. بدین وسیله میتوان حکومتی را به میان آورد که توان طرح . تطبیق یک برنامه واقعی رشد اجتماعی را داشته باشد . بتواند با کارمندان دولت و طراحان و تصمیم گیرنده گان پروژه ها نه به حیث شریک معامله، بلکه به حیث مرجع سمت دهنده کنترل کننده، پاداش دهنده و باز پرس کننده برخورد کنند. رحیه خدمت گذاری و فساد نا پذیری را از خود آغاز و بر همه مسئولین یکسان تطبیق نمایند. چنین حکومت موردا احترام مردم واقع خواهد بود. چنین حکومتد از طریق دفاع از حاکمیت ملی و دفاع از حقوق زندگی و مصونیت افغانها و خدمت گذاری به مردم مشروعیت خود را بدست میاورد و حفظ میکنند. این حکومت از هزاران روشنفکر، متخصص، دانشمندان، پژوهشگران، تاریخ نگاران و فرهنگیان و کادرهای وطن دوست و خدمتگذار متشکل خواهد بود. حاکمیت فعلی از موجودیت این واقعیت سرسخت نیرو و ها انکار میکند. آنها بخواهند یا نخواهند این نیرو وجود دارد و برای خدمت در صفوف یک حکومت پاک نفس و پاسخگو، ترقیخواه اماده خدمت گذاری اند.

این حکومت کار را به اهل کار میسپارد و اهل کار در کنار ما قرار دارند، حاکمیت فعلی نمیخواهد و نمیتواند بنا بر ماهیتش چنین حکومتی را ایجاد کند. پیشروی را به اتکا نیروهای پس رو دموکراسی را با اتکا نیروهای ضد دموکراسی نمیتوان بر پا داشت و تحقق بخشید.

حکومتی که ما پیشنهاد میکنیم هیچکس نباید بخود اجازه دهد که حقوق قانونی و شهروندی مردم افغانستان را صرف نظر از جنس، قوم، زبان، مذهب و دین آنها نا دیده بگیرد، دولتی که ما برای آن مبارزه میکنیم شبکه ای از تأمینات اجتماعی است که مردم را به دور یک پروژه ملی برای زندگی صلح آمیز متحد میسازد و برای عملی کردن آن دولتی لازم است که خود را در عقب شعار های اقتصاد بازار و عدم مداخله دولت پنهان نکند و مسئولیت خود را بحیث دولت منتخب مردم بجا آورد.

ما جانبدار آن هستیم که بخش خصوصی در چارچوب اقتصاد بازار در تلاش برای اشتغال آفرینی در پاسخ به نیازهای مردم در عرصه هائی که توان سرمایه گزاریرا دارند تشویق و حمایت شوند. در آن عرصه هائی که بخش خصوصی توان سرمایه گذاری های بزرگ، آموزش متخصصین و اداره پروژه های زیر بنائی را ندارند در عرصه های خدمات عامه، کمک به انسانها، در عرصه های فرهنگی و تأمینات سهم فعال بگیرد. این پروژه ها که اکثراً در جهت منافع عامه قابل تحقق میباشد، برخورد ایدئولوژیک صورت نگرفته ، بلکه با برخورد تخصصی اقدام گردد.

## انتظارات و فواست ما از جامعه بین المللی این است:

- 1- برای پیشروی نباید بر نیروهای پس رو تکیه شود . بر دولت های حاکم خویش فشار وارد نمایند تا از نیروهای متحجر و بنیاد کرا حمایت صورت نگیرد، به نیروهای دموکرات، ترقیخواه و عدالت خواه اتکا گردد.
- 2- روابط دوامدار و مستحکم بین نیروهای چپ در منطقه و جهان ایجاد گردد.
- 3- تبادل تجارب و داشته های فرهنگی بمیان آید.
- 4- بجای سیاست های دوگانه و چند گانه ، سیاست واحد، روشن و مشخص تانید شود.

فقاً

ما خواهان همبستگی با کلیه نیروهای پیشرو چپ دموکرات بخاطر عدالت اجتماعی هستیم و آنرا عملاً اعلان میداریم و این دوستی را در عمل استحکام می بخشیم.  
از توجه تان تشکر